

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام)

رساله جهت اخذ درجه دکتری

رشته فلسفه اسلامی

عنوان:

بررسی و نقد معرفت‌شناختی خودتئهاگروی بر پایه واقع‌نمایی بدیهیات

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر فیروز جایی

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر موسوی

نگارش:

حسین علی محمدی

شهریور 1396

۳۲,۶۱۱۴

بسم الله تعالی



دانشگاه باقر العلوم

صور تجلسه دفاعیه رساله دکتری

با نایبیت خداوند متعال و با استعانت از الطاف حضرت ولی عصر (عج) جلسه دفاعیه رساله دکتری آقای حسن علی محمدی دانشجوی رشته فلسفه اسلامی به شماره دانشجویی ۸۹۲۷۳۱۱۵ با عنوان « بررسی و نقد معرفت شناختی خود تنها گروهی (تربیه واقع نمای بدیهیات)» در تاریخ ۱۳۹۴/۱۰/۳۰ در هیأت داوران در محل دانشگاه باقر العلوم علیه السلام برگزار گردید و براساس کیفیت رساله، میزان نوآوری، چگونگی دفاع و نحوه نگارش رساله، رأی نهایی به شرح ذیل اعلام می گردد.

کلاس قبول با درجه: عالی * نمره با عدد: ۲۵ * نمره با حروف: بیست

غیر قابل قبول

امضاء	دانشگاه / مؤسسه	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	هیأت داوران
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	دانشیار	یار علی کرد فیروزجایی	استاد راهنما
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	دانشیار	سید محمود موسوی	استاد مشاور
	دانشگاه باقر العلوم (ع)	استاد یار	حسن عبدی	استاد داور
	جامعه الزهراء (س)	استاد یار	مجید ابوالقاسم زاده	استاد داور
	مؤسسه امام خمینی (ره)	استاد	محمد حسین زاده	استاد داور

سید محمود موسوی
معاون آموزشی و فرهنگی

محمد مهدی راستگو
مدیر آموزش و تحصیلات تکمیلی

فوب (۱۷-۱۶)

بسیار فوب (۱۸-۱۸/۹۹)

عالی (۱۹-۶)

ب (غیر قابل قبول)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

يَا مَنْ يُقْبَلُ الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلُ مِنِّْي الْيَسِيرَ وَأَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ

□ تقدیم به پیشگاه مقدس امام منتظر، مهدی موعود، حجة بن الحسن العسكري

برافرازنده پرچم هدایت و گستراننده حق و عدالت

وَّيُحِقُّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقُهُ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

سپاس خدای متعال را سزاست که گوهر اندیشه و دانش را به انسان عطا کرده و او را برای حقیقت‌جویی و حقیقت‌یابی شایسته گرداند و بندگان برگزیده خود را هدایت‌گران به سوی خود قرار داد و ما را به تبعیت از اشرف انبیاء محمد مصطفی □ و اهل بیت او □ مفتخر ساخت.

از همه بزرگوارانی که بنده را در نگارش این رساله، همراهی و یاری کردند به‌ویژه پدر و مادر عزیز، همسرگرمی و والدین ارجمند او سپاس‌گزار بوده و خیر و توفیق روزافزون الهی را برای آنان خواستارم همچنین از راهنمایی و عنایت اساتید محترم بویژه آقایان حجت‌الاسلام دکتر یارعلی کردفیروزجایی، حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمود موسوی، حجت‌الاسلام دکتر محمد حسین‌زاده، دکتر عباس عارفی، دکتر مهدی قوام صفری، دکتر حسن عبدی، حجت‌الاسلام دکتر مجید ابوالقاسم‌زاده و خانم دکتر افروز علی-محمدی قدردانی و تشکر می‌کنم.

چکیده

«خودت‌هاگرو» یکی از چالش‌های مهم و جاری در فلسفه‌ی مغرب زمین است که درباره‌ی آن مباحث گسترده‌ای ارائه گردیده و از جهات مختلف، مدار نزاع بوده و نقدهایی به خود دیده است؛ اما خودت‌هاگرو -از گذشته تا کنون- در نگاه بسیاری از نظریه‌پردازان غربی، به عنوان دیدگاهی انگاشته می‌شود که با استدلال‌های عقلی، نمی‌توان نادرستی آن را نمایاند. در این پژوهش که برپایه روش تحقیق کتابخانه‌ای به همراه تحلیل عقلی، سامان یافته است در گام نخست، خودت‌هاگرو و اقسام آن -به‌ویژه «خودت‌هاگرو وجودشناختی» و «خودت‌هاگرو معرفت‌شناختی»- شناسانده شده است. در گام دوم، نسبت خودت‌هاگرو با دو جریان فلسفی «عقل‌گرایی» و «تجربه‌گرایی» بررسی و نقش هر یک از آن دو در زمینه‌سازی برای پیدایش یا گسترش و تقویت خودت‌هاگرو نمایان گردیده است همچنین در ضمن این مباحث، ادله‌ای که گاه برای اثبات یا تأیید مدعای خودت‌هاگرو، سودمند انگاشته شده‌اند به تفصیل بررسی و ناکارآمدی آنها تبیین شده است. در گام سوم، چیستی علم بدیهی و اقسام و جایگاه آن بررسی شده و گریزناپذیری خودت‌هاگرا از پذیرش تحقق معرفت حقیقی -به معنای ادراک مطابق با واقع- و نیز گونه‌های یاد شده برای علم -یعنی «علم حضوری» و «علم حصولی»، «تصور» و «تصدیق»- تبیین شده است، افزون‌براین «انکارناپذیری صدق اصل امتناع تناقض» و نیز «نقش‌های معرفتی» آن شناسانده و چرایی ملزم بودن خودت‌هاگرا به پذیرش آنها اثبات شده است. با فراهم آمدن مقدمات لازم برای نقد خودت‌هاگرو، در گام چهارم، پس از تبیین مبانی و نتایج معرفت‌شناختی خودت‌هاگرو، «امکان نظام‌سازی معرفت» با ارائه «الگوی ابتنا»، اثبات گردیده و برپایه آن، دو استدلال عقلی بر نادرستی خودت‌هاگرو اقامه شده است. افزون‌براین با ارائه راه‌کار «تنبیه»، چگونگی آگاه ساختن خودت‌هاگرای وجودشناختی و خودت‌هاگرای معرفت‌شناختی، بر نادرستی خودت‌هاگرو نیز شناسانده شده است.

واژگان کلیدی: خودت‌هاگرو، واقع‌نمایی، بدیهیات، نظام‌سازی معرفت، معرفت‌شناسی، مبناگرو

فصل اول: کلیات و مفاهیم.....	8
1-1 کلیات	8
1-1-1 بیان مسأله.....	8
1-1-2 اهمیت و فایده.....	10
1-1-3 پیشینه پژوهش	10
1-1-4 وجوه نوآوری موضوع.....	12
1-1-5 اهداف پژوهش	13
1-1-6 سوالات پژوهش.....	13
1-6-1-1 سوال اصلی.....	13
2-6-1-1 سوالات فرعی.....	14
1-1-7 فرضیه‌های پژوهش.....	14
1-1-8 روش پژوهش.....	15
1-2 مفاهیم	15
1-2-1 خودتنهاگروی.....	15
1-2-2-1 تعریف خودتنهاگروی.....	8
2-2-2-1 اقسام خودتنهاگروی.....	18
1-2-1-2-1 خودتنهاگروی وجودشناختی.....	18
1-2-1-2-2 خودتنهاگروی معرفت‌شناختی.....	20
1-2-1-2-3 خودتنهاگروی در ذهن (مشکل اذهان دیگر).....	21
1-2-1-2-4 خودتنهاگروی روش‌شناختی.....	23
1-2-1-2-5 خودتنهاگروی تحلیلی.....	28
1-2-1-2-6 گونه‌های فرعی خودتنهاگروی.....	30

- 31 معرفت 1-2-2
- 24 بدیهی 1-2-3
- Error! Bookmark not defined. فصل دوم: پیشینه و خاستگاه خودتنهاگروی در فلسفه مغرب زمین
- Error! Bookmark not defined. 2-1 پیشینه خودتنهاگروی در فلسفه مغرب زمین
- Error! Bookmark not defined. 2-2 خودتنهاگروی و عقل گرایی
- Error! Bookmark not defined. 2-2-1 عقل گرایی
- Error! Bookmark not defined. 2-2-2 دکارت و خودتنهاگروی
- Error! Bookmark not defined. 1-2-2-2 شک فریبندگی حواس
- Error! Bookmark not defined. 2-2-2-2 شک خواب
- 46 3-2-2-2 شک خدای قادر و شیطان شریر
- Error! Bookmark not defined. 4-2-2-2 نظریه معرفت دکارت و خودتنهاگروی
- Error! Bookmark not defined. 2-2-3 عقل گرایان پس از دکارت و خودتنهاگروی
- 56 1-3-2-2 اسپینوزا
- Error! Bookmark not defined. 2-3-2-2 مالبرانش
- 60 3-3-2-2 لاینیتس
- Error! Bookmark not defined. 2-3 خودتنهاگروی و تجربه گرایی
- Error! Bookmark not defined. 2-3-1 تجربه گرایی
- 64 2-3-2 جان لاک و خودتنهاگروی
- Error! Bookmark not defined. 1-2-3-2 نظریه معرفت جان لاک
- 65 جایگاه و نقش تجربه‌ی حسی
- Error! Bookmark not defined. نقد فطری گرایی
- 68 منشأ تصورات
- Error! Bookmark not defined. اقسام تصورات

- Error! Bookmark not defined.** 2-2-3-2 راهکار جان لاک برای بیرون رفت از مشکل ادراک و خودتنهاگروی
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** 3-2-3-2 چیستی و منشأ تصور «علیت» در نگاه جان لاک
- 75 4-2-3-2 علم به وجود اشیاء خارجی
- 78 5-2-3-2 اثبات وجود خدا
- Error! Bookmark not defined.** 2-3-3 خودتنهاگروی و بارکلی
- Error! Bookmark not defined.** 1-3-3-2 نظریه معرفت بارکلی
- Error! Bookmark not defined.** 2-3-4 هیوم و خودتنهاگروی
- Error! Bookmark not defined.** 1-4-3-2 نظریه معرفت هیوم
- 88 2-4-3-2 خود و ادراک خود در انگاره هیوم
- 90 3-4-3-2 اختلاف آراء درباره نسبت انگاره‌های هیوم و خودتنهاگروی
- 94 4-4-3-2 خاستگاه اختلاف آراء درباره نسبت انگاره‌های هیوم و خودتنهاگروی
- 97 2-4 نتیجه‌گیری و برآیند بحث
- 99 فصل سوم: چیستی بدیهی و جایگاه آن در معرفت
- 100 3-1 معرفت حقیقی
- 101 3-1-1 خودتنهاگروی و معرفت حقیقی
- 102 3-2 تقسیم علم به حضوری و حصولی
- 104 3-2-1 خطاناپذیری علم حضوری
- 104 3-2-2 خودتنهاگروی و علم حضوری
- 106 3-2-3 بازگشت علم حصولی به حضوری
- 107 3-3 تصور و تصدیق
- Error! Bookmark not defined.** 3-3-1 اقسام تصور و تصدیق
- Error! Bookmark not defined.** 3-4 تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری
- Error! Bookmark not defined.** 3-4-1 تصورات بدیهی
- Error! Bookmark not defined.** 1-1-4-3 اقسام تصورات بدیهی

Error! Bookmark not defined.	3-4-2 تصدیق بدیهی و اقسام آن
Error! Bookmark not defined.	3-4-3 تحقق بدیهیات
Error! Bookmark not defined.	1-3-4-3 راه‌های اثبات تحقق بدیهی
Error! Bookmark not defined.	2-3-4-3 بداهت اصل امتناع تناقض
126	اصل امتناع تناقض
Error! Bookmark not defined.	انکارناپذیری اصل امتناع تناقض
Error! Bookmark not defined.	راهکار عملی نمایاندن انکارناپذیری اصل امتناع تناقض
132	نقش و کارکرد معرفتی اصل امتناع تناقض
Error! Bookmark not defined.	کارکردهای اصل امتناع تناقض در استدلال
Error! Bookmark not defined.	استدلال‌ناپذیری اصل امتناع تناقض
Error! Bookmark not defined.	3-3-4-3 بداهت مفهوم وجود
Error! Bookmark not defined.	3-5 نتیجه‌گیری و برآیند بحث
Error! Bookmark not defined.	فصل چهارم: نقد معرفت‌شناختی خودتنهاگروی
Error! Bookmark not defined.	4-1 مبانی معرفت‌شناختی خودتنهاگروی
145	4-2 نتایج معرفت‌شناختی
Error! Bookmark not defined.	4-3 نقد خودتنهاگروی در فلسفه غرب
151	4-4 نقد خودتنهاگروی بر پایه واقع‌نمایی بدیهیات
Error! Bookmark not defined.	4-4-1 تبیین واقع‌نمایی (صدق) اولیات و وجدانیات
Error! Bookmark not defined.	1-1-4-4 واقع‌نمایی اولیات
Error! Bookmark not defined.	بررسی اشکال شرطی بودن اولیات
Error! Bookmark not defined.	2-1-4-4 واقع‌نمایی وجدانیات
Error! Bookmark not defined.	بررسی اشکال شخصی بودن وجدانیات
Error! Bookmark not defined.	4-4-2 چستی نظام‌سازی معرفت و امکان آن
Error! Bookmark not defined.	1-2-4-4 تنوع و تکثر قضایای بدیهی
158	2-2-4-4 تنوع و تکثر روشهای استدلال

- Error! Bookmark not defined.** 3-2-4-4 ارائه مصداق برای نظام‌سازی معرفت
- Error! Bookmark not defined.** مقدمات و مبانی ضروری برای ارائه مصداق نظام‌سازی معرفت
- Error! Bookmark not defined.** مفاهیم سه‌گانه (وجوب، امکان، امتناع)
- Error! Bookmark not defined.** اصل علّیت و بداهت آن
- Error! Bookmark not defined.** امتناع تسلسل
- Error! Bookmark not defined.** امتناع دور
- Error! Bookmark not defined.** مصداق اول نظام‌سازی معرفت
- Error! Bookmark not defined.** مصداق دوم نظام‌سازی معرفت
- Error! Bookmark not defined.** 4-4-3 اثبات نادرستی خودتنهاگروی
- Error! Bookmark not defined.** 1-3-4-4 استدلال اول
- 173 واجب‌الوجود نبودن خودتنهاگرا
- Error! Bookmark not defined.** مرکب نبودن واجب‌الوجود
- Error! Bookmark not defined.** مرکب بودن خودتنهاگرا
- 177 تغییر ناپذیری «واجب‌الوجود»
- Error! Bookmark not defined.** تغییرپذیری خودتنهاگرا
- Error! Bookmark not defined.** گام نهایی استدلال
- Error! Bookmark not defined.** 2-3-4-4 استدلال دوم
- Error! Bookmark not defined.** اثبات نادرستی خودتنهاگروی وجودشناختی
- Error! Bookmark not defined.** اثبات نادرستی خودتنهاگروی معرفتشناختی
- 3-3-4-4 نقد خودتنهاگروی در ساحت معرفت به جهان محسوس 183
- Error! Bookmark not defined.** 4-3-4-4 تنبیه خودتنهاگرا
- Error! Bookmark not defined.** تنبیه خودتنهاگرای وجودشناختی
- Error! Bookmark not defined.** تنبیه خودتنهاگرای معرفتشناختی
- 194 4-5 نتیجه‌گیری و برآیند بحث

Error! Bookmark not defined.خاتمه؛ جمع بندی و نتیجه گیری

Error! Bookmark not defined.منابع

Error! Bookmark not defined.الف) فارسی

Error! Bookmark not defined.ب) عربی

214.....ج) انگلیسی

د)

220.....فرانسوی

فصل اول: کلیات و مفاهیم

۱-۱ کلیات

۱-۱-۱ بیان مسأله

شک گرایی در طول تاریخ فکر بشر با چهره‌های گوناگون رخ عیان نموده و از زوایای مختلف بر جزم-اندیشی معرفتی، هجومه کرده است. «خودت‌هاگروی» (solipsism)، را می‌توان گونه‌ای دیگر از این هجومه برشمرد که تحقق جهان خارج یا حصول معرفت یقینی درباره جهان خارج را به چالش می‌کشد. هرچند خودت‌هاگروی -با گونه‌های متعدد خود- از جهات مختلف در فلسفه مغرب زمین، مدار نزاع بوده و نقدهایی به خود دیده است؛ اما از گذشته تا کنون، در نگاه بسیاری از نظریه‌پردازان غربی، به عنوان دیدگاهی انگاشته می‌شود که با استدلال‌های عقلی، نمی‌توان نادرستی آن را نمایاند، از این رو خودت‌هاگروی، در مغرب زمین، حضور اعتناپذیری دارد، افزون برآنکه می‌توان شالوده برخی مکاتب فلسفی غربی را بنانهاده شده بر دیدگاه‌های خودت‌هاگرایانه دانست.

از این رو «خودت‌هاگروی» یکی از چالش‌های مهم و جاری در فلسفه‌ی غرب بوده و شناخت زمینه‌ها و عوامل فلسفی پیدایش و گسترش آن، از جهات گوناگون دارای اهمیت است. ما در این پژوهش، برآنیم چپستی

و اقسام خودتنهاگروی و نیز نسبت آن با جریان‌های اصلی فلسفی مغرب زمین یعنی «عقل‌گرایی» و «تجربه-گرایی» را تبیین کنیم. از این رو با مطالعه‌ای فراگیر، ضعف‌ها و کاستی‌هایی که از سوی سبب ظهور و گسترش خودتنهاگروی و از سوی دیگر سبب ناکارآمدی راه‌کارهای معرفتی ارائه شده برای برون رفت از خودتنهاگروی بوده‌اند در این دو جریان فلسفی بررسی و نمایانده می‌شوند، افزون‌براین تلاش‌های فلسفی اندیشمندان برجسته عقلگرا و تجربه‌گرا برای رهایی از خودتنهاگروی و اثبات نادرستی آن یاد شده و میزان ثمربخشی آنها شناسانده می‌شود، همچنین مهمترین ادله‌ای که گاه برای اثبات یا تأیید مدعای خودتنهاگروی، سودمند انگاشته شده‌اند - مانند شک‌های دکارتی - به تفصیل بررسی و ناکارآمدی آنها تبیین می‌گردد.

مطلوب دیگر ما در این پژوهش آن است که با شناساندن مبانی و نتایج معرفت‌شناختی خودتنهاگروی، زمینه را برای نقد بنیادین آن برپایه «واقع‌نمایی بدیهیات» فراهم آوریم.

اثبات «واقع‌نما بودن بدیهیات» و نظام‌سازی معرفت برپایه بدیهیات، محور بنیادین نقد معرفت‌شناختی خودتنهاگروی و اثبات نادرستی آن را در این رساله تشکیل می‌دهد. در توضیح باید گفت؛ دو اصل اساسی، شاکله مبناگروی معرفتی را بنانهاده است: 1- تحقق گزاره‌های بدیهی و پایه، 2- ابتدای گزاره‌های غیربدیهی و غیرپایه بر گزاره‌های بدیهی و امکان نظام‌سازی معرفت (صعود معرفتی).

از این رو در دفاع از مبناگروی معرفتی، می‌بایست افزون‌بر واقع‌نمایی بدیهیات، امکان نظام‌سازی معرفت نیز نمایانده و اثبات شود. نقد بنیادین خودتنهاگروی یا اثبات نادرستی آن نیز از این طریق، حاصل می‌گردد. این رساله پس از شناساندن خودتنهاگروی و مبانی و نتایج معرفت‌شناختی آن، با پژوهش فراگیر درباره «معرفت بدیهی» که دربردارنده مباحثی چون؛ معرفت و اقسام آن، چیستی و تعریف بدیهی، ضرورت و چرایی تحقق بدیهی، نقش و جایگاه بدیهی - بویژه اصل امتناع تناقض - در نظام معرفت، چرایی واقع‌نمایی اولیات و وجدانیات، است، واقع‌نمایی بدیهیات را می‌نمایاند سپس در گام نهایی، امکان نظام‌سازی معرفت با ارائه دو «الگوی ابتدا» یا «مصادق نظام‌سازی معرفت» اثبات شده و برپایه نتایج بدست آمده از الگوهای ابتدا در کنار مقدمات تصویری و تصدیقی از پیش فراهم آمده، نادرستی خودتنهاگروی با دو برهان اثبات می‌شود. افزون‌بر این با ارائه راه‌کار «تنبیه»، چگونگی آگاه ساختن خودتنهاگرا، بر نادرستی خودتنهاگروی، شناسانده می‌شود.

۱-۱-۲ اهمیت و فایده

یکی از رسالت های حکمت، همواره دفاع از ساحت اندیشه در برابر شک‌گرایی بوده است. خودتنهاگروی نیز گونه‌ای اثرگذار و مهم از شک‌گرایی است، از این رو برای پاسداری از حریم اندیشه، نقد انگاره خودتنهاگروی و اثبات نادرستی آن ضرورت دارد.

افزون بر این «خودتنهاگروی» با گونه‌های مختلف خود، شالوده بسیاری از مکاتب فلسفی غربی را بنانهاده است، هرچند بسیاری از فیلسوفان غربی برای رهایی از خودتنهاگروی و نمایاندن نادرستی آن تلاش کرده و مباحث متنوعی ارائه کرده‌اند اما تلاش‌های یاد شده به دلیل ضعف بنیان‌های فلسفی، چندان کارآمد نبوده و خودتنهاگروی، هیمنه پنهان و آشکار خود بر آراء اندیشمندان و نظریه‌پردازان غربی بویژه در حوزه علوم انسانی را ادامه می‌دهد. بر این اساس، شناخت و بررسی خودتنهاگروی، به عنوان یکی از مبانی یا انگاره‌های اثرگذار بر علوم انسانی، ضروری است. به دیگر سخن، با نقد معرفت‌شناختی خودتنهاگروی و نمایان گشتن نادرستی آن، سستی بنیان علوم مبتنی بر درستی یا نقدناپذیری آن نیز آشکار می‌گردد و این ثمره مهم و تاثیرگذاری است.

از سوی دیگر تبیین و اثبات واقع‌نمایی بدیهیات و امکان نظام‌سازی معرفت - که در این پژوهش بنیان نقد معرفت‌شناختی خودتنهاگروی را بنانهاده است - شالوده مبنای معرفتی را مستحکم و بسیاری از اشکالات وارد شده بر آن را دفع می‌کند و بدین‌سان، اعتبار معرفتی دانش‌ها و نظریات مبتنی بر این دیدگاه را استوار می‌سازد.

۱-۱-۳ پیشینه پژوهش

بر پایه بررسی کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات فارسی، نمایان می‌گردد که تاکنون خودتنهاگروی (solipsism)، به گونه مستقل، مسأله اصلی پژوهش نبوده و به تفصیل شناسانده و نقد نشده است. گاه در برخی آثار، مشاهده می‌شود که از خودتنهاگروی، سخنی به میان آمده است، اما هیچ یک دربردارنده مطالعه‌ای جامع درباره‌ی

خودتنهاگروی نبوده و مسائل گسترده آن را نشناسانده‌اند.

«خودتنهاگروی» برای فیلسوفان غربی، همواره مسأله‌ای چالش‌برانگیز و بااهمیت بوده است، از این رو در منابع انگلیسی، مقالات و کتاب‌هایی درباره‌ی خودتنهاگروی نگاشته شده و هر یک از منظرهای خودتنهاگروی را بررسی و یا نقد کرده‌اند،^۱ اما هیچ‌گاه خودتنهاگروی برپایه واقع‌نمایی بدیهیات، بررسی و نقد نشده است. به دیگر سخن هرگز از منظر رئالیسم معرفتی، نادرستی خودتنهاگروی، به گونه برهانی اثبات نگردیده است.

حکمای مسلمان با توجه نقش برجسته بدیهیات در مبنایگروی، همواره به آن پرداخته و در آثار خود مباحث گسترده‌ای را بر محور بدیهیات و جایگاه آن در معرفت، بیان کرده‌اند. اندیشمندان معاصر نیز درباره بدیهیات،

¹ . Albert A. Johnstone, Rationalized Epistemology: Taking Solipsism Seriously, SUNY Press, 1991.

Helmut Hildebrandt, Three Arguments Against Methodological Solipsism as a Research Strategy of Psychology, Theory & Psychology, vol. 3, no. 1, February 1993, pp 35-56.

Jerry Fodor, Methodological Solipsism Considered as a Research Strategy in Cognitive Science, Behavioral and Brain Sciences, vol 3, 1980, PP 63-73.

John E. Russell, Solipsism: The Logical Issue of Radical Empiricism, The Philosophical Review, Vol. 15, No. 6 (Nov., 1906), PP 606-613.

Ledger Wood, "Solipsism", in Runes (ed.), Dictionary of Philosophy, Littlefield, Adams, and Company, Totowa, NJ, 1962.

Peter Asaro, "Methodological Solipsism Reconsidered: Is There Anybody Out There?", Undergraduate Review: Vol. 6, Available at: <<<http://digitalcommons.iwu.edu/rev/vol6/iss1/7>>>, 1993.

Raimo Tuomela, Methodological Solipsism and Explanation in Psychology, Philosophy of Science, Vol. 56, No. 1 (Mar., 1989), PP 23-47.

Richard Fumerton, Encyclopedia of Philosophy, "SOLIPSISM", MacMillan Press, 2005.

Ronald Suter, Solipsism as a case study in philosophical methodology, Dept of Philosophy, 1967.

S. V. Bokil, "Development of Solipsism after René Descartes", Indian Philosophical Quarterly 23:1-2, 1996.

Stephen P. Thornton, 'Solipsism and the Problem of Other Minds', Internet Encyclopedia of Philosophy, (IEP), (ISSN 2161-0002), <<<http://www.utm.edu/research/iep/s/solipsis.htm>>>, 2004.

Stuart A. Burns, "The Metaphysical Challenge of Solipsism" in Evolutionary Pragmatism, <<<http://www3.sympatico.ca/saburns/pg0220.htm>>>, 2014.

William Todd, Analytical Solipsism, (Publisher:) by Martinus Nijhoff, The Hague, Netherlands, 1968.

Ingmar Visser, Methodological solipsism,

<<<http://www.ingmar.org/wpcontent/uploads/2011VisserPROOFSSolipsism.pdf>>> 2011.

مباحث ژرف متنوعی ارائه کرده و آثار مستقلی برپایه این موضوع نگاشته‌اند.^۲ اما هیچ یک از این آثار با محوریت نقد خودتنهاگروی سامان نیافته‌اند.

۴-۱-۱ وجوه نوآوری موضوع

همان‌سان که در پیشینه پژوهش بیان گردید خودتنهاگروی (solipsism)، تاکنون مسأله اصلی پژوهش‌های پیشین نبوده و به تفصیل بررسی نشده است، از این رو رساله با شناساندن خودتنهاگروی و نیز اقسام و گونه‌های آن، گام نوینی را می‌پیماید، همچنین در این رساله برای نخستین بار نسبت خودتنهاگروی با دو جریان محوری فلسفه غرب یعنی عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی، به تفصیل بررسی شده و چگونگی تأثیر آراء عقل‌گرایان و تجربه‌گرایان برجسته در پیدایش یا گسترش و تقویت خودتنهاگروی نمایان می‌گردد، به عنوان نمونه در این پژوهش از یک سو تأثیر یا زمینه‌سازی شک‌های دکارتی و نظریه معرفت او بر پیدایش خودتنهاگروی در مغرب زمین شناسانده شده و از سوی دیگر برای نخستین بار، نسبت واقعی هریک از این شک‌ها - که گاه به عنوان مهم‌ترین ادله اثبات خودتنهاگروی انگاشته شده‌اند-، با خودتنهاگروی بررسی و میزان ثمربخشی آنها در اثبات

۲. عارفی عباس، بدیهی و نقش آن در معرفت‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1389

فعالی محمد تقی، بررسی ادله بدیهیات، اندیشه دینی، بهار 1385 - شماره 18

سلیمانی امیری، عسکری، جایگاه ام القضا یا (اصل امتناع تناقض) در میان معارف بشری، معرفت فلسفی، بهار 1385 - شماره 11

سعیدی، احمد، بررسی رابطه بدهت با صدق، معارف عقلی، تابستان 1386 - شماره 6

حسین زاده محمد، مفاهیم بدیهی و نظری، معیار بدهت: مبنا گروی ویژه متفکران مسلمان در حوزه مفاهیم، معرفت فلسفی، شماره 19، بهار

1387، ص 61-116

حسین‌زاده محمد، مروری بر تعریف و جایگاه زیرساخت‌های معرفت بشری: محسوسات و وجدانیات، معرفت فلسفی، شماره 6، 1383،

صص 97-116.

صادقی رضا، درباره اصل امتناع تناقض، معرفت فلسفی، شماره 8، 1384، صص 109-140

عبدی حسن، بررسی چیستی و نقش‌های معرفتی اصل عدم تناقض با تأکید بر دیدگاه ارسطو، حکمت اسلامی، 1393، شماره 1، صص 145-

184

قوام صفری مهدی، وجوه مبناگرایی ارسطو، ذهن، زمستان 1384، شماره 24، صص 29-44

قراملکی احد فرامرز، پژوهش در زمینه فلسفه و کلام اسلامی: بدهت تصورات حسی نزد دانشمندان مسلمان، مقالات و بررسیها، شماره 16،

زمستان 1381، صص 179-194

خودتنهاگروی نمایانده شده است. همچنین نسبت تجربه‌گرایی جان لاک با خودتنهاگروی بررسی و تلاش‌های او برای بیرون رفت از خودتنهاگروی و نیز میزان کارآمدی و موفقیت آنها تبیین شده است. افزون‌بر این برای نخستین بار، نسبت آراء هیوم با خودتنهاگروی به تفصیل بررسی و چرایی اختلاف دیدگاه‌ها درباره‌ی نسبت فلسفه‌ی او با خودتنهاگروی، شناسانده شده است.

این رساله برای نخستین بار، مبانی و نتایج معرفت‌شناختی خودتنهاگروی را از منظر رئالیسم معرفتی، تبیین کرده و نیز شمایی کلی از نقدهای خودتنهاگروی در فلسفه غرب را ارائه کرده است. افزون‌بر این، رساله در مهم‌ترین گام، خودتنهاگروی را برپایه واقع‌نمایی بدیهیات، نقد کرده و نادرستی آن را به‌گونه عقلی نمایانده است، مسیر نقد پیموده شده، نوین بوده و استدلال‌های نهایی برای نخستین‌بار ارائه گردیده است، همچنین راه-کار «تنبیه خودتنهاگرا»، در گام پایانی رساله نیز به‌گونه نوینی سامان یافته است که پیش‌تر در هیچ اثری ارائه نگردیده است.

۱-۱-۵ اهداف پژوهش

1. بدست آوردن تصویری فراگیر از «خودتنهاگروی» و اقسام آن و نیز نمایان ساختن خاستگاه و مبادی فلسفی آن.
2. اثبات نادرستی دیدگاه خودتنهاگروی، برپایه واقع‌نمایی بدیهیات.
3. تبیین زوایای مختلف معرفت بدیهی و نقش آن در نظام معرفت، با تکیه بر واقع‌نمایی بدیهیات.

۱-۱-۶ سوالات پژوهش

۱-۱-۶-۱ سوال اصلی

چگونه می توان برپایه واقع‌نمایی بدیهیات، نادرستی خودتنهاگروی را اثبات کرد؟

۲-۶-۱-۱ سوالات فرعی

1. خودتنهاگروی چیست و چه اقسامی دارد؟
2. خودتنهاگروی با جریان‌های محوری فلسفه غرب-عقلگرایی و تجربه‌گرایی - چه نسبتی دارد؟
3. مبانی معرفت‌شناختی خودتنهاگروی چیست؟
4. نتایج معرفت‌شناختی خودتنهاگروی چیست؟
5. خودتنهاگروی، در فلسفه غرب، چگونه نقد شده است؟
6. بدیهی چیست و چه اقسامی دارد؟
7. نقش بدیهیات در بنای معرفت و نقد خودتنهاگروی چیست؟
8. واقع‌نمایی چیست و واقع‌نمایی بدیهیات چگونه تبیین می‌شود؟
9. نظام‌سازی معرفت برپایه بدیهیات چگونه امکان‌پذیر است؟

۷-۱-۱ فرضیه‌های پژوهش

1. واقع‌نمایی در اقسام مختلف بدیهی تبیین‌پذیر است.
2. ضرورت و نیز تحقق بدیهی اثبات می‌شود.
3. نظام‌سازی معرفت برپایه بدیهیات ممکن است.

4. برپایه واقع‌نمایی بدیهیات، نادرستی خودتنهاگروی اثبات می‌شود.

۸-۱-۱ روش پژوهش

مطالعه پژوهش محور در جهت شناخت مسأله و استنتاج برپایه تحلیل و استدلال عقلی.

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، کتابخانه‌ای است.

۲-۱ مفاهیم

۱-۲-۱ خودتنهاگروی

۱-۲-۱-۱ تعریف خودتنهاگروی

«Solipsism» که در این پژوهش «خودتنهاگروی» برابر نهاد آن است،^۳ از واژه لاتین «solus» به معنای

³. این برابر نهاد از سوی عباس عارفی، (ر.ک: عباس عارفی، مطابقت صور ذهنی با خارج، چاپ اول، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388، ص 606) ارائه شده است و با توجه به ریشه واژگانی و معنای اصطلاحی «solipsism»، در این پژوهش بر دیگر برابرنهادهای فارسی، ترجیح داده شد، برخی از برابرنهادهای فارسی دیگر عبارتند از: اصالت‌من (ر.ک: مریم صانع پور، مبانی معرفتی اومانیزم، قیسات، شماره 12، تابستان 1378، ص 100-115)، خودتنهایی (ر.ک: مور جی.ی، برهان عالم خارج، ترجمه منوچهر بدیعی، ارغنون، شماره 7 و 8، پاییز و زمستان 1374، ص 123-148)، خودباوری (ر.ک: داروال استیون؛ گیبارد آلن؛ ریلتن پیتر، به سوی اخلاق پایان این قرن: پاره ای از گرایشها (1)، ترجمه مصطفی ملکیان، ارغنون، شماره 16، تابستان 1379، ص 1-94)، خودتنهامحوری (ر.ک: محمود خاتمی، پدیدارشناسی دین: زمینه ها، قیسات، شماره 27، بهار 1382، ص 93-104)، تنهام‌باوری (ر.ک: Stewart Cohen، ترجمه محمدعلی رمضانی فرانی، شکاکیت، مجله پژوهشنامه متین، شماره 14، بهار 1381، ص 35-56)، خودبس‌انگاری (ر.ک: علی مرادخانی، کانت و بحران شناخت در عصر روشنگری، مجله شناخت، شماره 50، تابستان 1385، ص 175-192)، نفس‌گرایی (ر.ک: علی پایا، کارنپ و فلسفه تحلیلی، ارغنون، شماره 7 و 8، پاییز و زمستان 1374، ص 165-230)، خودمحوری (ر.ک: کابیت شون، جابه جایی زمان: در باب فرهنگ ویدئو، ترجمه مازیار اسلامی، ارغنون، شماره 20، تابستان 1381، ص 139-162)، تنهاخودی (ر.ک: هوسرل، مرلوپونتی؛ انتقادی شدن پدیدار شناسی، ترجمه مراد فرهادپور، فرهنگ، شماره 18، تابستان 1375، ص 190-233)، تنهام‌باوری (ر.ک: محمد صادق زاهدی، آیا جهانهای ممکن واقعیت دارند؟، پژوهشنامه فلسفه دین، شماره 5، بهار و تابستان 1384، ص 9-40)، اصالت نفس (ر.ک: محمود بینای مطلق، سمبولیسم در هنر،



«تنها» و «ipse» به معنای «خود» برگرفته شده است.⁴

در بیشتر متون فلسفی، خودتنهاگروی این دیدگاه شناسانده شده است که تنها من و محتویات ذهن من وجود دارد: «[خودتنهاگروی] این نظریه است که من، تنها موجود هستم. برای اینکه من یک خودتنهاگرا باشم باید معتقد باشم که من، تنها موجودی هستم که به گونه مستقل تحقق دارم و آنچه که معمولاً جهان خارج می-خوانم، تنها همچون یک ابژه یا محتوای آگاهی‌های من تحقق دارد.»⁵ و «[خودتنهاگروی] باور به این است که یک شخص و تجربیات او وجود دارد»⁶ و «این (گونه) دیدگاه‌ها که هیچ چیز خارج از ذهن خود شخص وجود ندارد یا این که نمی توان دانست که هیچ چیزی وجود دارد، خودتنهاگروی خوانده می شوند»⁷ و «خودتنهاگروی این دیدگاه است که تنها موجود در هستی، شخص خود یک فرد است».⁸ خودتنهاگروی، در معنای فراگیرتری نیز شناسانده شده که برپایه آن، افزون بر منحصر دانستن وجود به خود و حالات ذهنی خود، منحصر دانستن معرفت یقینی، به خود و حالات ذهنی خود نیز خودتنهاگروی است؛ «خودتنهاگروی نظریه‌ای

مجله هنر، شماره 15، بهار 1367، ص 18-27)، خودانگاری (ر.ک: رابرت سی . مورگان، دلتای مدرنیسم، ترجمه احمد رضا تقاء، زیبا شناخت، شماره 18، بهار 1387، ص 283-292)، اصالت خود (یوسف نوظهور، مریم فلاحتی، برهان وجودی دکارت و ریشه های قرون وسطایی آن، آینه معرفت، شماره 13، زمستان 1386، ص 17-44)، فلسفه اصالت وجود خود (خودآینی) (ر.ک: آ.د.آکساندروف، فضا و زمان در فیزیک نوین، هدهد، شماره 35، مهر 1361، ص 426-447)، خودگرایی (ر.ک: حسن فتحی، آیا افلاطون مرتبه عالم محسوس را پایین آورده است، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره 51، زمستان 1386، ص 119-128)، من محوری (ر.ک: انشاء الله رحمتی، از ترس آگاهی تا غربت آگاهی، اطلاعات حکمت و معرفت، شماره 38، اردیبهشت 1388، ص 4-6) اصالت خویش (ر.ک: برتراند راسل، نهضت رمانتیک: فصلی از کتاب «تاریخ فلسفه غرب»، ترجمه نجف دریابندری، نگین، فروردین 1352، شماره 94، ص 67-71).

4 . Pablo Iannone, Dictionary of World Philosophy, Routledge, 2013, p 499

5 . Flew, Anthony, A Dictionary of Philosophy, New York: St. Martin's Press, 1979, p 330

6 . Simon Blackburn, The Oxford Dictionary of Philosophy, Oxford University Press, UK, 2005, p 344

7 . Alan Lacey, Dictionary of Philosophy, Routledge, 2002, p 304

8 . Pete Mandik, Key Terms in Philosophy of Mind, A&C Black, 2010, pp 111-112

است که بیان می‌کند شخص تنها از تجربیاتش یا حالاتش آگاه است و نمی‌تواند به گونه مشروع، آگاهی از پدیدارهای خارجی را ادعا کند»⁹، گاه معنای نخست، تعریف خودتنهاگروی در فلسفه و معنای دوم، تعرف خودتنهاگروی در معرفت‌شناسی یاد شده است: «[خودتنهاگروی در] (1. متافیزیک) این دیدگاه است که هیچ چیز به غیر از خود فرد و محتوای آگاهی‌های او وجود ندارد؛ [خودتنهاگروی در] (2. معرفت‌شناسی) این دیدگاه است که هیچ چیز مگر خود و محتویات آگاهی‌های خود را نمی‌توان شناخت»¹⁰، براین اساس از منظر معرفت‌شناختی، خودتنهاگروی بر آن است که معرفت به هر چیز ورای ذهن خود فرد، نامطمئن و غیر یقینی است، از این رو جهان خارج و ذهن‌های دیگر قابل شناخت نبوده و ممکن است هیچ چیز ورای ذهن شخص موجود نباشد.

در موارد متعددی دیدگاه هستی‌شناسانه‌ای که موجود را منحصر در خود شخص و محتویات ذهن او می‌انگارد، «خودتنهاگروی فلسفی»¹¹ یا «خودتنهاگروی وجودشناختی»¹² شناسانده شده¹³ و دیدگاه معرفت‌شناسانه‌ای که معرفت یقینی را منحصر در معرفت به خود و حالات ذهنی خود برمی‌شمارد، «خودتنهاگروی معرفت‌شناختی»¹⁴ خوانده شده است،¹⁵ برپایه آنچه یاد شد، مدعای اصلی خودتنهاگرا، انحصار هستی در خود و ادراکات خود و انکار هستی ماورای آن است و یا انحصار معرفت در خود و ادراکات خود و انکار معرفت به ماورای آن است. هرچند در اغلب متون فلسفی، هرگاه خودتنهاگروی به گونه مطلق یعنی بی وصف یا بی قید یاد

⁹ . G. Michael Blahnik, Experience: An Exploration Into the Structure and Dynamics of Human Consciousness, University Press of America, 1997, P 91

¹⁰ . Thomas Mautner, The Penguin Dictionary of Philosophy, London England; Penguin Books, 2000, P 529

¹¹ . metaphysical solipsism

¹² . ontological solipsism

¹³ . A. Pablo Iannone, Dictionary of World Philosophy, p 500 & D. Irvine, Bertrand Russell: Language, knowledge and the world, Psychology Press, 1999, p 317 & Richard Schantz, The Externalist Challenge, Walter de Gruyter, 2004, P 371 & Robert J. Fogelin, Routledge Philosophy Guidebook to Berkeley and the Principles of Human Knowledge, Psychology Press, 2001, P 107

¹⁴ . epistemological solipsism

¹⁵ . A. Pablo Iannone, P 500 & John Kekes, The Glorious Koran: A Bi-lingual Edition with English Translation, Introduction, and Notes, SUNY Press, 1976, P 198

شود، مراد از آن، خودتنهاگروی فلسفی یا وجودشناختی است.^{۱۶}

افزون بر خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت‌شناختی انواع دیگری از خودتنهاگروی نیز یافت می‌شود که در ادامه بررسی و شناسانده خواهند شد.

۱-۲-۱-۲ اقسام خودتنهاگروی

در فلسفه مغرب زمین، طیف وسیعی از انواع خودتنهاگروی، رخ عیان نموده است. ما در این گفتار، نخست اقسامی از خودتنهاگروی را که در مباحث فلسفی از اهمیت و فراگیری افزون‌تری برخوردارند، به‌گونه مستقل بررسی خواهیم کرد و در ادامه‌ی آن برخی دیگر از انواع خودتنهاگروی را که از اهمیت و فراگیری کمتری برخوردارند، به اجمال می‌شناسانیم.

خودتنهاگروی وجودشناختی

خودتنهاگروی فلسفی یا وجودشناختی این دیدگاه است که تنها من و محتویات (ادراکات و حالات) ذهن من وجود دارد، همان‌سان که پیشتر بیان گردید این نظریه، معنای مشهور و متداول «خودتنهاگروی»، در آثار فلسفی است. خودتنهاگروی وجودشناختی، مستلزم اثبات و نفی است، یعنی خودتنهاگرایی وجودشناختی از سویی به وجود خود و حالات ذهنی یا تصورات خود اذعان کرده و از سوی دیگر وجود و تحقق هر امری غیر از خود را نفی می‌کند. به دیگر سخن، در خودتنهاگروی فلسفی، من آن نحوه تحقق و هستی را که از آن بهره-

¹⁶ . Friedrich Ueberweg, A History of Philosophy: History of modern philosophy, Hodder and Stoughton, 1874, P 262 & Anthony Kenny, Philosophy in the Modern World: A New History of Western Philosophy, Volume 4, OUP Oxford, 2008, PP 155-160 & Ronald E. Rowe, Shadow of the Absolute: An Anti-materialism, Janus Publishing Company Lim, 2004, P 16 & Alan Musgrave, Common Sense, Science and Scepticism: A Historical Introduction to the Theory of Knowledge, Cambridge University Press, 1993, P 104 & Nicholas Bunnin, Jiyuan Yu, The Blackwell Dictionary of Western Philosophy, John Wiley & Sons, 2008, P 324.

مندم از ماسوای خود سلب می‌کنم، براین پایه هرآنچه که من آن را عالم خارج یا اشیاء و امور واقعی می‌انگارم، تنها مفاهیم یا صورت‌هایی در ذهن من هستند. ازاین‌رو برخی معتقدند که خودتنهاگری و وجودشناختی نظریه-ای مشابه این پندار است که سراسر عالم، تنها خواب و رؤیای ما است.^{۱۷}

خودتنهاگری و وجودشناختی، «گاه خودمحوری (خودبینی) فلسفی»^{۱۸} یا «خودگرایی نظری»^{۱۹} خوانده شده است تا اینگونه بر لوازم اخلاقی منفی آن تأکید شود.^{۲۰}

خودتنهاگری فلسفی یا وجودشناختی را می‌توان شدیدترین گونه خودتنهاگری دانست، زیرا مدعای آن فراگیرتر و نیز پذیرش آن دشوارتر از اقسام دیگر خودتنهاگری است، ازاین‌رو همان‌گونه که مشهور است هیچ فیلسوف برجسته‌ای این دیدگاه را نپذیرفته است. این دیدگاه در مباحث فلسفی بیشتر به عنوان یک تهدید در نظر گرفته شده است تا یک نظریه جایگزین جدی،^{۲۱} یعنی با استناد به نادرستی خودتنهاگری و وجودشناختی، هر نظریه‌ی فلسفی را که بتوان نشان داد به عنوان نتیجه یا لازمه منطقی خود، خودتنهاگری و وجودشناختی را دربردارد، پوچی اجتناب ناپذیرش نمایان می‌گردد.

پذیرش خودتنهاگری و وجودشناختی هر چند دشوار و دور از ذهن برشمرده می‌شود، اما علی‌رغم تلاش-های گسترده، فلسفه مغرب زمین در ابطال یا نمایان ساختن نادرستی این دیدگاه به گونه عقلانی، موفق نبوده است تا آنجا که برخی خودتنهاگری را یک فلسفه منسجم (خودبنیان) یاد کرده^{۲۲} یا به صراحت آن را منطقی ضروری و اخلاقا ناممکن می‌شناسانند.^{۲۳}

بررسی و نقد خودتنهاگری فلسفی یا وجودشناختی به همراه خودتنهاگری معرفت‌شناختی، مساله اصلی

17 . J. O. Urmson, Jonathan Rée, The Concise Encyclopedia of Western Philosophy and Philosophers, Psychology Press, 1991, P 418

18 . metaphysical egoism

19 . theoretical egoism

20 . A. Pablo Iannone, p 500 & Friedrich Ueberweg, P 262

21 . John Kekes, The Glorious Koran: A Bi-lingual Edition with English Translation, Introduction, and Notes, SUNY Press, 1976. P 197

22 . Stuart A. Burns, "The Metaphysical Challenge of Solipsism" in Evolutionary Pragmatism, <<<http://www3.sympatico.ca/saburns/pg0220.htm>>>, 2014

23 . Benjamin Apthorp Gould Fuller, A history of philosophy, H. Holt and company, 1945, P 288

این پژوهش است.

خودتنهاگروی معرفت‌شناختی

«خودتنهاگروی معرفت‌شناختی»^{۲۴} دیدگاه معرفت‌شناسانه‌ای است که معرفت یقینی را منحصر در معرفت به خود و حالات ذهنی خود برمی‌شمارد،^{۲۵} به دیگر سخن خودتنهاگرای معرفت‌شناختی مدعی است که تنها خود و محتویات (حالات و ادراکات) ذهن خود را می‌توانم بشناسم.

همان‌سان که پیشتر بیان‌گردید این نگاه معرفت‌شناختی، به همراه «خودتنهاگروی وجودشناختی»، مراد اصلی از «خودتنهاگروی» در بسیاری از آثار فلسفی است. خودتنهاگروی معرفت‌شناختی، مستلزم اثبات و نفی است، یعنی خودتنهاگرای معرفت‌شناختی از سویی وجود معرفت یقینی به خود و حالات یا ادراکات ذهنی خود را تأیید و از سوی دیگر هرگونه معرفت یقینی به ماورای خود را نفی می‌کند: «هیچ چیز مگر خود و محتویات آگاهی‌های خود را نمی‌توان شناخت»^{۲۶}.

در «خودتنهاگروی وجودشناختی» مدعا این است که چیزی غیر از من وجود ندارد اما خودتنهاگروی معرفت‌شناختی مدعی است که نمی‌توان دانست که چیزی وجود دارد^{۲۷} و تنها دانش حقیقی که یک شخص می‌تواند داشته باشد، دانش محتوای فهم خود شخص است.^{۲۸} برخی معتقدند که خودتنهاگروی معرفت‌شناختی نسبت به خودتنهاگروی وجودشناختی ادعای معتدل‌تری را مطرح می‌کند،^{۲۹} در برابر این دیدگاه برخی معتقدند

²⁴ . epistemological solipsism

²⁵ . A. Pablo Iannone, p 500 & John Kekes, P 198

²⁶ . Thomas Mautner, The Penguin Dictionary of Philosophy, p 529

²⁷ . Alan Lacey, Dictionary of Philosophy, p 304

²⁸ . Pedro Blas Gonzalez, **Fragments: Essays in Subjectivity, Individuality, and Autonomy**, Algora Publishing, 2005, PP 118-119

²⁹ . Haim Gordon, Dictionary of Existentialism, Routledge, 2013, P 439

خودتنهاگروی وجودشناختی، نسخه ضعیف «خودتنهاگروی» و خودتنهاگروی معرفت شناختی نسخه قوی تر آن است.³⁰ شاید مبنای قوی تر شناسانده شدن خودتنهاگروی معرفت شناختی، قابل پذیرش تر بودن آن نسبت به خودتنهاگروی وجودشناختی است، زیرا برخلاف خودتنهاگروی وجودشناختی که از سوی هیچ فیلسوف برجسته‌ای پذیرفته نیست، برخی فلاسفه مانند هیوم، خودتنهاگروی معرفت شناختی را پذیرفته یا حداقل بسیار متهم به پذیرش آن هستند.³¹

با وجود تفاوت میان مدعای خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت شناختی، اگر به گونه عقلانی اثبات شود که تنها یک موجود، ورای شخص خودتنهاگرا تحقق دارد، هر دو دیدگاه ابطال شده و نادرستی آنها نمایان می‌گردد. به دیگر سخن اگر معرفت یقینی به تحقق تنها یک موجود در ورای خودتنهاگرا برای او حاصل شود یا نمایان گردد که تحقق چنین معرفتی برای مدعی خودتنهاگروی ضروری است، خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت شناختی، هم‌زمان ابطال می‌گردد. (بررسی و نقد خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت شناختی، مساله اصلی این پژوهش است.)

خودتنهاگروی در ذهن (مشکل اذهان دیگر)

«خودتنهاگروی در ذهن»، دیدگاهی است که برپایه آن تنها یک ذهن وجود دارد و آن، ذهن شخص خودتنهاگراست، از این رو وجود اذهان دیگر نفی می‌شود. به دیگر سخن این‌گونه خودتنهاگرا، معتقد است که من، تنها ذهنی هستم که موجود است یا حالات ذهنی من، تنها حالات ذهنی هستند. این دیدگاه در مواردی، یکی از معانی «خودتنهاگروی»³² یا معنای اصلی آن شناسانده شده³³ و گاه نیز به عنوان نسخه ضعیفی از

³⁰ . John Kekes, P 197

³¹ . نسبت فلسفه هیوم و خودتنهاگروی، در این پژوهش به تفصیل بررسی خواهد شد.

³² . Stephen P. Thornton, 'Solipsism and the Problem of Other Minds', Internet Encyclopedia of Philosophy, (IEP), (ISSN 2161-0002), <<<http://www.utm.edu/research/iep/s/solipsis.htm>>>, 2004

³³ . John L. Pollock, Joseph Cruz, **Contemporary Theories of Knowledge**, Rowman & Littlefield, 1999, P 18 & Anita Avramides, **Other Minds**, Routledge, 2000, P 28

«خودتنهاگروی»، یاد شده است.^{۳۴}

این دیدگاه که «خودتنهاگروی ذهن دیگر»^{۳۵} نیز نامیده شده،^{۳۶} بازگو کننده مسأله چالش برانگیز «مشکل اذهان دیگر» یا یکی از انواع آن است.^{۳۷} براساس «خودتنهاگروی در ذهن»، ذهن شخص خودتنهاگرا، تنها ذهن موجود و حالات ذهنی او، تنها حالات ذهنی است، اما چه بسا تنها بازمانده‌ی یک قتل عام هسته‌ای نیز به حق معتقد باشد که «من تنها ذهنی هستم که موجود است و حالات ذهنی من، تنها حالات ذهنی هستند»، بی آنکه بموجب این اعتقادش به یک قائل به خودتنهاگروی مبدل گردد. از این رو برخی بر این باورند که شایسته است این قسم از خودتنهاگروی به سان این آموزه شناسانده شود که، علی‌الاصول، معنای «وجود» در نزد من، وجود من است و معنای «حالات ذهنی» حالات ذهنی من است. یعنی چنین نیست که قائل به خودتنهاگروی در ذهن، صرفاً معتقد باشد که اندیشه‌های او، تجربه‌های او، و عواطف او، در مقام اموری امکانی، یگانه اندیشه‌ها، تجربه‌ها و عواطف باشند. بلکه او می‌تواند هیچ معنایی را برای این گمان که اندیشه‌ها، تجربه‌ها، و عواطف دیگری غیر از عواطف خود او می‌توانسته موجود باشد قائل نشود. از این رو یک قائل راستین به خودتنهاگروی در ذهن، معنای واژه‌ی «درد» را «درد من» می‌فهمد و بر این پایه، او قادر نیست تصور کند که چگونه این واژه، به معنایی غیر از این معنای منحصرأ خودمحوارانه، به کار می‌رود.^{۳۸}

«خودتنهاگروی در ذهن» یا «مشکل اذهان دیگر» همان‌گونه که در موارد متعددی به آن تصریح شده است با «خودتنهاگروی» -خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت‌شناختی- تفاوت دارد.^{۳۹} برپایه خودتنهاگروی وجودشناختی، وجود همه امور خارجی از جمله اذهان دیگر انکار می‌گردد و برپایه

³⁴ . Alan Lacey, p 304

³⁵ . Other-mind solipsism

³⁶ . Robert F. Almeder, **Harmless Naturalism: The Limits of Science and the Nature of Philosophy**, Open Court Publishing, 1998, P 19

³⁷ . «مشکل اذهان دیگر» افزون بر وجود اذهان دیگر در مواردی این مسأله را بررسی می‌کند که ما درباره اذهان دیگر-یعنی آنچه دیگران می‌اندیشند و احساس می‌کنند- چه چیز و چگونه می‌توانیم بدانیم.

Alan Lacey, p 304 & Anita Avramides, P 28

³⁸ . Stephen P. Thornton, **Solipsism and the Problem of Other Minds**.

³⁹ . Gareth B. Matthews, **Augustine**, John Wiley & Sons, 2008, P 55 & Elizabeth Burns, **Stephen Law, Philosophy for AS and A2**, Routledge, 2004, P 190

خودتنهاگروی معرفت‌شناختی، معرفت‌یقینی به وجود همه امور خارجی از جمله اذهان دیگر انکار می‌شود،⁴⁰ اما در «خودتنهاگروی در ذهن» وجود اشیاء خارجی یا امور مادی نفی نمی‌شود بلکه تنها تحقق ذهن‌هایی مانند ذهن شخص خودتنهاگرا انکار می‌شود، براین اساس ابطال «خودتنهاگروی» - خودتنهاگروی وجودشناختی و خودتنهاگروی معرفت‌شناختی - برای اثبات تحقق اذهان دیگر ضروری بوده اما هرگز کافی نیست.

خودتنهاگروی روش‌شناختی

در دانش‌های معرفت‌شناسی و فلسفه ذهن، حداقل دو تعریف برای خودتنهاگروی روش‌شناختی (methodological solipsism) می‌توان یافت. در ادامه هر یک از تعریف‌ها را به تفصیل بررسی خواهیم کرد.

تعریف اول

بنابر این تعریف، خودتنهاگروی روش‌شناختی، نظریه‌ای است که بیان می‌دارد؛ ویژگی‌های ذهنی یا حالات روانی موجود زنده را منحصراً بر اساس روابط آن حالت یا خاصیت با دیگر حالات داخلی خود موجود زنده می‌توان تشخیص داد، بدون هرگونه رجوعی به جامعه یا جهان فیزیکی که موجود زنده در آن جای داده شده است. افزون بر این، خودتنهاگروی روش‌شناختی گاه ناظر به قلمرو روان‌شناسی، به عنوان نظریه‌ای شناسانده می‌شود که بیان می‌دارد تنها چیزی که با روان‌شناسی مرتبط است آن چیزی است که به معنای دقیق کلمه در سر افراد یا -حداقل- در درون آنها جای دارد.⁴¹

⁴⁰ از این رو برخی معتقدند که حمله بر تحقق اذهان دیگر، به دوگونه کاملاً متفاوت و دو شکل‌های کاملاً متضاد ظهور کرده است. که یکی از آنها «خودتنهاگروی» و دیگری «رفتارگرایی» (behaviourism) است. ر.ک:

Ledger Wood, *The Analysis of Knowledge*, Routledge, 2015, PP 116-117

⁴¹ Raimo Tuomela, *Methodological Solipsism and Explanation in Psychology, Philosophy of Science*, Vol. 56, No. 1 (Mar., 1989), pp 23-47 & Helmut Hildebrandt, *Three Arguments Against Methodological*

برای نخستین بار هیلاری پاتنم^{۴۲} از خودتنهاگروی روش‌شناختی سخن گفت. او معتقد است فلاسفه سنتی مانند دکارت و دیگران در رویکردشان به حالات روانی یا ذهنی از پیش فرضی بهره برده‌اند که او آن را خودتنهاگروی روش‌شناختی می‌خواند. در نگاه پاتنم خودتنهاگروی روش‌شناختی این فرض است که هر حالت روانی، غیر از شخصی که حالت به او نسبت داده شده است، به معنی دقیق کلمه، مستلزم وجود هیچ فرد دیگری نیست.^{۴۳}

پاتنم، بر اساس این تعریف، بین دو دسته از حالات روانی یا ذهنی تمایز قائل شد؛ آن دسته از حالات ذهنی که بوسیله فرض خودتنهاگروی روش‌شناختی، مجاز هستند، با عنوان حالات روانی «محدود»^{۴۴} مشخص می‌شوند و آن دسته‌ای که بوسیله فرض خودتنهاگروی روش‌شناختی، مجاز نیستند، حالات روانی «وسیع»^{۴۵} نامیده می‌شوند. از این رو حالات ذهنی مانند درد داشتن یا دانستن معنای یک واژه، بر پایه این تقسیم، "محدود" هستند، زیرا وجود آنها مستلزم وجود هیچ شخص یا شیء دیگری نیست. به بیان دیگر وجود این چنین حالاتی منطقاً وابسته به وجود هیچ شخص دیگری نیست و انتساب چنین حالاتی به یک شخص منطقاً مستلزم وجود اشخاص یا اشیاء دیگری در جهان نیست، اما در آن سو، حسود بودن یک شخص نسبت به شخص دیگر، یک حالت روانی "وسیع" است، زیرا توضیحی که از این حالت برای ما فراهم می‌شود، مستلزم این است که دو شخص مجزا از یکدیگر وجود داشته باشند.^{۴۶}

خودتنهاگروی روش‌شناختی هرچند بوسیله پاتنم مطرح گردید اما این جری فودر^{۴۷} بود که از آن دفاع کرد و آن را گسترش داد. او، اصطلاح خودتنهاگروی روش‌شناختی را اتخاذ کرد تا رویکرد محاسبه‌گرایی^{۴۸} خود را به

Solipsism as a Research Strategy of Psychology, Theory & Psychology, vol. 3, no. 1, February 1993, pp 35-56 & Edward Craig, Concise Routledge Encyclopedia of Philosophy, Routledge, 2013, P 849

⁴² . Hilary Whitehall Putnam

⁴³ . Putnam, Hilary. Mind, Language and Reality. Philosophical Papers, vol. 2, Cambridge University Press, 1975, P 220

⁴⁴ . narrow

⁴⁵ . wide

⁴⁶ . Gerhard Preyer, F. Siebelt, A. Ulfig, Language, Mind and Epistemology: On Donald Davidson's Philosophy, Kluwer Academic Publishers, 1994, PP 259-263

⁴⁷ . Jerry Alan Fodor

⁴⁸ . Computational

روانشناسی شناختی، بشناساند و توصیف کند. او بر این باور است که روانشناسی علمی در الگوی محاسبه‌گرایی، می‌بایست بدون مراجعه به چیزی خارج از شخص، پدیدارهای روان‌شناختی و فرایندهای ذهنی را توضیح دهد.

خودتنهاگروی روش‌شناختی در اندیشه فودر را می‌توان دیدگاهی دانست که بر اساس آن محتوای اعتقادات یک شخص درباره- به عنوان مثال- آب، به طور مطلق با ماده آب در جهان خارج و نیز با تعریف عمومی پذیرفته شده در جامعه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند، هیچ ارتباطی ندارد و همه چیز به شکل درونی تعیین شده است. افزون بر این، تنها چیزی که انسان‌های دیگر می‌بایست در باورهای منتسب به شخص دیگر به دنبال آن روند، حالات درونی اوست.

نگاه درون‌گرایانه به حالات ذهنی در غالب آزمون ذهنی معروف "دوقلوی زمین" هیلاری پاتنم، آشکار می‌گردد. به گونه بسیار خلاصه، پرسش این است که آیا برای دو شخص که یکی از آنها در جهان واقعی زندگی می‌کند که در آن آب H₂O است و فرد دوم در جهان ممکن دیگری (دوقلوی زمین) زندگی می‌کند که در آن آب تمام ویژگی‌های مشابه آب ما را دارد، اما در واقع از XYZ تشکیل شده است، ممکن است اعتقادات (یا سایر گرایشهای گزاره‌ای) یکسانی درباره آب داشته باشند؟ یک برون‌گرا⁴⁹ معتقد است چنین اعتقاد یکسانی ناممکن است، در حالی که یک درون‌گرا⁵⁰ اصرار دارد که آن ممکن است. نتیجه‌گیری فودر از این بحث این است که حالات ذهنی که از آنها تعبیر به "محدود" می‌شود، بدون ارجاع به حالت‌های خارجی جهان هستند و فقط محتوا و ساختار یک باور است که رفتار را متعین می‌سازد، نه آنکه آن باور، درباره H₂O و یا درباره XYZ است و حتی نه آنکه آن باور درست و یا نادرست است.⁵¹

⁴⁹ . externalist

⁵⁰ . internalist

⁵¹ . Ingmar Visser, Methodological solipsism, <<<http://www.ingmar.org/wp-content/uploads/2011VisserPROOFSSolipsism.pdf>>>, 2011 & Gerhard Preyer, F. Siebelt, A. Ulfig, pp 259-263

فودر در آن سوی خودتنهاگروی روش شناختی، فردگرایی روش شناختی^{۵۲} را دیدگاهی می شناساند که در آن حالات ذهنی، دارای شخصیتی هستند که به گونه معناشناختی،^{۵۳} قابل ارزیابی است، از این رو حالات ذهنی حالات ارتباطی هستند، رابطه‌ای که معنی معناشناختی را فراهم می‌سازد، می‌تواند ارتباطی با جهان خارج و یا ارتباطی با فرهنگ یک شخص باشد و تا آنجا که رابطه در قدرت علی یک حالت ذهنی، تغییراتی را ایجاد می‌کند، می‌توان آن را به عنوان یک عامل تعیین کننده جزئی آن حالت، در نظر گرفت.^{۵۴}

افزون بر داخلی بودن حالات ذهنی، فودر تبیین می‌کند که فرایندهای ذهنی باید محاسبه‌گرایانه باشند، او توجه به خواص صوری^{۵۵} و ساختاری حالات ذهنی به جای خواص معناشناختی آنها را ضروری می‌داند. در نگاه او جنبه‌های صوری افکار، همه‌ی آن چیزی هستند که برای طبقه بندی کردن افکار متمایز، ضروری اند. او در این باره مطالب گسترده‌ای بیان داشته و نتایج مهمی بر آن بار کرده است.^{۵۶}

«اگر فرایندهای ذهنی صوری هستند، آنها تنها به ویژگی‌های صوری چنین بازنمودهایی از محیط، که حواس فراهم کرده‌اند دسترسی دارند، از این رو آنها هیچ دسترسی به ویژگی‌های معنایی چنین بازنمودهایی ندارند از جمله ویژگی واقعی بودن، مرجع داشتن و یا در واقع، ویژگی بازنمودهای از محیط بودن»^{۵۷}

او همچنین «روانشناسی طبیعی»^{۵۸} را که روابط محیط زیست موجود زنده را در نظر می‌گیرد، غیر ممکن و عقیم می‌شناساند و نتیجه می‌گیرد که تنها یک دیدگاه محاسبه‌گرایانه از ذهن، مناسب است و وظیفه روانشناسی باید به یک خودتنهاگروی روش شناختی محدود باشد.^{۵۹} نظریات فودر، بحث‌های فراوانی را در فلسفه ذهن و روان‌شناسی میان موافقان و مخالفان در پی داشته است.

52 . methodological individualism

53 . semantically

54 . Jerry Fodor and Martin Davies, Individualism and Supervenience, Proceedings of the Aristotelian Society, Supplementary, Vol. 60, 1986, pp 235-283

55 . formal

56 . Peter Asaro, "Methodological Solipsism Reconsidered: Is There Anybody Out There? ", Undergraduate Review: Vol. 6, Available at: <<<http://digitalcommons.iwu.edu/rev/vol6/iss1/7>>>, 1993

57 . Jerry Fodor, Methodological Solipsism Considered as a Research Strategy in Cognitive Science, Behavioral and Brain Sciences, vol 3, 1980, (pp 63-73), P 65

58 . Naturalistic Psychology

59 . Peter Asaro, Ibid.

خودتنهاگروی روش شناختی فودر، دارای یک جنبه وجودشناختی و یک جنبه معرفت‌شناختی است. این خودتنهاگروی روش شناختی، از منظر وجودشناختی، فردگرایانه⁶⁰ است، زیرا که او حالات ذهنی مانند باورها را بی‌ارتباط با حالات فیزیکی خود شخص می‌شناساند. از منظر معرفت‌شناختی نیز خودتنهاگرایانه است، زیرا فودر ادعا می‌کند که جهان خارج در تشخیص حالات روان‌شناختی - مثل باورها- در اندیشنده هیچ نقشی ندارند. در نتیجه باورها و حالات ذهنی می‌توانند بدون مراجعه به جهانی که شخص اندیشنده در آن واقع است، معرفی و توصیف شوند.⁶¹ به بیان دیگر از آنجا که درون‌گرایی نمی‌تواند ادراک را از توهم، و یا دانش را از باور تشخیص دهد، حالات ذهنی یک شخص آنگونه که هستند، ممکن است با جهان واقع (اگر وجود داشته باشد) کاملاً متفاوت باشند.⁶²

هرچند فودر به صراحت، پذیرش خودتنهاگروی و لوازم آن را رد کرده است و خودتنهاگروی روش‌شناختی را در خدمت خودتنهاگروی نمی‌داند و همچنین وجود اشیاء دیگر و حتی ارتباط آنها با مفاهیم ذهنی را انکار نمی‌کند،⁶³ اما مبنای معرفت‌شناختی خودتنهاگروی روش‌شناختی او یعنی انکار نقش و جایگاه جهان خارج، در تشخیص باورها در یک شخص و نیز تأکید بر جنبه صوری حالت‌های ذهنی سبب می‌گردد، هرگونه معرفت یقینی درباره جهان خارج، ناممکن دانسته شود از این رو همه‌ی اشکالات خودتنهاگروی معرفت‌شناختی، متوجه خودتنهاگروی روش‌شناختی گردیده و آن را به چالش خواهد کشید.

تعریف دوم

بنابر تعریف دوم، خودتنهاگروی روش‌شناختی، نظریه‌ای معرفت‌شناختی است که بیان می‌دارد؛ خود فرد و حالات او، تنها نقطه شروع ممکن یا مناسب برای ایجاد بنای فلسفی است. خودتنهاگرایان روش‌شناختی تأکید

⁶⁰ . individualistic

⁶¹ . Gerhard Preyer, F. Siebelt, A. Ulfig, pp 259-263

⁶² . Peter Asaro, Ibid

⁶³ . Jerry Fodor, Methodological Solipsism Considered as a Research Strategy in Cognitive Science, pp 71-72

می‌کنند که توجیه جهان خارج می‌بایست بر حقایق مسلم درباره آگاهی‌های خود اشخاص بنا نهاده شود.^{۶۴} شک دکارتی، شکاکیتی است که این مسیر را می‌پیماید.

در برخی موارد خودتنهاگروی روش‌شناختی در این معنا، به درستی از خودتنهاگروی معرفت‌شناختی تمییز داده نشده است و تبیین‌هایی در توضیح خودتنهاگروی روش‌شناختی ارائه گردیده است که نمایان‌گر خودتنهاگروی معرفت‌شناختی است از جمله اینکه؛ «خودتنهاگروی روش‌شناختی، ممکن است نوعی «لاادری-گری»^{۶۵} ضعیف باشد و این نتیجه‌ای از شرایط سخت معرفت‌شناختی برای «علم» است، یعنی این ضرورت که علم می‌بایست قطعی باشد. خودتنهاگرایان روش‌شناختی هنوز پذیرای این دیدگاه هستند که هر استنتاجی خطاپذیر است و ما ممکن است مغزی درون خمره باشیم»^{۶۶}.

خودتنهاگروی تحلیلی

خودتنهاگروی تحلیلی، گونه نوینی از خودتنهاگروی است. این دیدگاه از سوی ویلیام تود^{۶۷} در کتابی به همین نام، شناسانده شده است.

خودتنهاگرای تحلیلی، مدعی است که او برخلاف خودتنهاگرای متافیزیکی یا خودتنهاگرای معرفت‌شناختی، در وجود جهان خارج یا در ادله تحقق جهان خارج هیچ‌گونه شک و تردیدی ندارد و او صدق همه‌ی اظهارات مدعی وجود این امور را می‌پذیرد، اما خودتنهاگرای تحلیلی بر این باور است که یک شخص می‌تواند به همه‌ی این امور اعتراف کند و در همان حال از نظر وجودشناختی، خود را به چیزی فراتر از وقوع احساسات خود و

⁶⁴ . Ledger Wood, "Solipsism", in Runes (ed.), Dictionary of Philosophy, Littlefield, Adams, and Company, Totowa, NJ, 1962, P 295

⁶⁵ . agnostic

⁶⁶ . Ledger Wood, Ibid.

⁶⁷ . William Todd

برخی اصول حاکم بر آنها، ملتزم نسازد.⁶⁸

بر این اساس خودتنهاگرایی تحلیلی، هرگز وجود جهان خارج را انکار نمی‌کند، اما فرضیه او این است که ما فقط با سخن گفتن درباره احساسات خود و ساختن اظهارات بسیار پیچیده درباره آنها می‌توانیم وجود جهان خارج را اظهار کنیم. از این رو ما هرگز نمی‌توانیم باورهایی داشته باشیم که ما را به چیزی بیش از این ملتزم کنند.⁶⁹

خودتنهاگرایی تحلیلی دیدگاهی است که بیان می‌دارد؛ تمام اظهارات زبان عادی بدون از دست دادن معنا می‌توانند به زبانی برگردانده شوند که در آن، جملات اولیه تنها به پدیده‌های روانی گوینده بازمی‌گردند.⁷⁰ این دیدگاه شایستگی عنوان خودتنهاگرایی را دارد و حتی موضع او به گونه‌ای می‌تواند از انواع دیگر خودتنهاگرایی نیز شدیدتر باشد، زیرا به جای انکار وجود جهان خارج غیرقابل تقلیل، او به ما می‌گوید که ما هرگز در هر حال به آن معتقد نبوده‌ایم.⁷¹ به بیان دیگر خودتنهاگرایی تحلیلی، همه‌ی اظهارات ادراکی یک شخص را به گونه‌ای تفسیر می‌کند که او می‌تواند تنها با سخن گفتن درباره حالات ذهنی خود و بدون سخن گفتن درباره هر چیز دیگری، آنها را تصدیق کند.⁷² یعنی هنگامی که ما از وجود اشیاء خارجی سخن می‌گوییم در واقع به چیزی بیش از وجود خود و حالات ذهنی خود معتقد نیستیم و هرآنچه درباره تحقق جهان خارج بیان می‌داریم به اظهاراتی درباره حالات یا پدیدارهای ذهنی ما تقلیل پذیر بوده و بازگردانده می‌شود.

ویلیام تود معتقد است که این نوع از خودتنهاگرایی کاملاً جدید نیست، بلکه گرایش در این راستا در بارکلی، هیوم و پوزیتیویست‌های خاص مانند آیر یافت می‌شود.⁷³

ویلیام تود، تلاش می‌کند تا نمایان سازد در موضع خودتنهاگرایی هیچ مشکل منطقی وجود ندارد و او را به شکل قاطع نمی‌توان رد کرد. افزون بر این او خودتنهاگرایی تحلیلی را نظریه‌ای با دامنه وسیع و پیچیدگی قابل

⁶⁸. William Todd, *Analytical Solipsism*, (Publisher:) by Martinus Nijhoff, The Hague, Netherlands, 1968, (CONCLUSION, P vii)

⁶⁹. Ibid, (CONCLUSION, P vii)

⁷⁰. Ibid, P Xiii

⁷¹. Ibid, (CONCLUSION, P vii)

⁷². Ibid, P 317

⁷³. Ibid, P viii

توجه می‌شناساند که با نظریه‌های دیگر، در مطلوبیت برابری کرده و قابل مقایسه است.^{۷۴}

با تأمل در مدعای خودتنهاگرای تحلیلی، نمایان می‌گردد که او در واقع، وجودی خارجی و حقیقی را برای خود ادراک کننده و حالات ذهنی او قائل است، اما چنین وجودی را برای اشیاء خارجی دیگر قائل نیست. خودتنهاگرای تحلیلی این دیدگاه را با بیانی پیچیده و غیر مستقیم، نمایان ساخته و می‌گوید؛ اعتقاد به وجود جهان خارج، چیزی فراتر از اعتقاد به وجود خود و ادراکات خود نیست. در این ادعا او وجود حقیقی شخص ادراک کننده را پذیرفته و در همان حال چنین وجودی را برای جهان خارج نمی‌پذیرد اما او این عدم پذیرش را با بازگرداندن معنای تحقق جهان خارج به تحقق شخص ادراک کننده و ادراکاتش ابراز می‌کند. از این رو خودتنهاگروی تحلیلی، بی‌تردید پذیرنده نقدهایی خواهد بود که بر پایه واقع‌نمایی بدیهیات بر خودتنهاگروی (متافیزیکی) سنتی وارد می‌گردد، زیرا همان‌سان که بیان گردید، در این دیدگاه نیز اولاً وجود خود و ادراکات خود به معنای تحقق خارجی پذیرفته شده است و ثانیاً تحقق جهان خارج، به همان معنا انکار شده است.

خودتنهاگروی تحلیلی بر پایه اصول فلسفه تحلیلی، بنانهاده شده است و ویلیام تود به روشنی، این گونه نوین از خودتنهاگروی را ثمره ظهور فلسفه تحلیلی شناسانده است.^{۷۵} از این رو برخی اشکالات معرفت‌شناختی مبانی فلسفه تحلیلی، بر خودتنهاگروی تحلیلی نیز وارد می‌گردد و این افزون بر دو اشکالی است که از سوی ویلیام تود به آنها اذعان شده است، یعنی اشکال مبهم بودن مفاهیم اساسی در خودتنهاگروی تحلیلی، (مفاهیمی مانند؛ "تصور"، "احساس"، "ادراک" و "تحلیل") و نیز اشکال ابتنا داشتن آن بر پذیرش برخی پیش‌فرض‌ها.^{۷۶}

گونه‌های فرعی خودتنهاگروی

پس از بررسی و شناساندن برخی انواع مهم و فراگیر خودتنهاگروی در مباحث فلسفی اکنون گونه‌های دیگری از خودتنهاگروی را که از اهمیت و فراگیری کمتری برخوردارند به گونه مختصر یاد می‌کنیم:

⁷⁴ . Ibid, pp viii & Xiii & 317

⁷⁵ . Ibid, (CONCLUSION, P vii)

⁷⁶ . Ibid, P 317

1. خودتنهاگروی مفاهمه‌ای (هم فهمی):^{۷۷} برپایه این دیدگاه، هر یک از ما از موجودات خردمند دیگر، جدا شده هستیم؛ زیرا ما هرگز نمی‌توانیم تجربیات آنها را به اندازه کافی بفهمیم و درک کنیم.^{۷۸}
2. خودتنهاگروی معنایی:^{۷۹} برپایه این دیدگاه، «کلمات»، تنها برای استعمال کننده آنها، موجودیت‌های ذهنی در دسترس را معنا می‌دهند و بیان می‌کنند. یکی از اقسام «خودتنهاگروی معنایی»، «خودتنهاگروی روانشناختی»^{۸۰} است، یعنی این دیدگاه که حالت‌های منسوب به خود ما (مثلا: من خوشحال هستم) با حالت‌های منسوب به دیگران (مثلا: تو خوشحال هستی)، معنای کاملاً متفاوتی دارند.^{۸۱}
3. «حضورگرایی خودمحورانه»،^{۸۲} گونه ضعیفی از خودتنهاگروی است که از سوی «کاسپر هار»^{۸۳} ارائه شده است، بر اساس آن، هرچند اشخاص دیگر می‌توانند شناخته شوند اما تجارب آنها به سادگی حاضر نیست. یعنی «تجارب (شخص دیگر) در پیوند با نقطه نظر او حاضرند، در حالی که تجارب من، در پیوند با نقطه نظر من حاضرند. (این) حضور یک خصوصیت یگانه است که تجربیات من دارا هستند، اما تجربیات او آن را دارا نیستند.»^{۸۴} (خود کاسپر هار نمی‌پذیرد که این نظریه، نوعی خودتنهاگروی وجودشناختی باشد).^{۸۵}

۲-۲-۱ معرفت

هر انسان در خود، حالتی می‌یابد که آن را «معرفت»، «علم»، «شناخت»، «دانایی» و «آگاهی» می‌نامد و نقطه

77 . empatbic solipsism

78 . A. Pablo Iannone, **Dictionary of World Philosophy**, pp 499-500

79 . semantic

80 . psychological solipsism

81 . Ibid, pp 499-500

82 . Egoentric presentism

83 . Caspar Hare

84 . Caspar Hare, *On Myself, and Other, Less Important Subjects*, Princeton University Press, 2009, P 22

85 . Ibid, P 41

مقابل آن را نیز «جهل» و «ناآگاهی» می خوانند. برای مثال هنگامی که شخص یا شیئی را مشاهده می کند که پیش تر ندیده است، احساس او این است که در خود و همراه خود دارای چیزی است که پیش تر آن را دارا نبوده است. حالت نخست که در آن فاقد دارایی است، «جهل» خوانده شده و حالت دوم که اثباتی بوده و در آن دارای چیزی صورت گونه از شخص و شیء یاد شده است که او را با آن مرتبط می سازد، «علم» یا «ادراک» خوانده می شود.

در حالت «ادراک»، عالم نسبت به امر شناخته شده، دارای گونه ای اتصال و رسیدن یا دریافت است، ازاین رو می توان در تحلیل حقیقت علم آن را نوعی وجود برای «ادراک شده»، نزد «ادراک کننده»، برشمرد (لازمه تحقق شناخت این نیست که همواره «عالم» غیر از «معلوم» باشد بلکه ممکن است در مواردی مانند آگاهی نفس از خود، میان آن دو تعددی نباشد).^{۸۶}

افزون براین همان سان که در مباحث آینده، به تفصیل بیان می گردد، تحقق و صدق برخی گونه های علم مانند «اصل امتناع تناقض»، انکارناپذیر است، ازاین رو ارسطو آن را «اصل فهم» شناسانده و نشان می دهد شناختن این اصل، شرط لازم و ضروری شناختن هر چیز دیگر است و اگر کسی در پی شناختن چیزی باشد پیشتر می بایست آن را دانسته باشد.^{۸۷}

«علم»، از اوصاف وجدانی مانند غم و شادی است و ما مصداق آن را به گونه حضوری در خود می یابیم، ازاین رو چیستی آن برای ما نمایان است، براین اساس، مفهوم «علم» و «معرفت» یکی از روشن ترین مفاهیم است و نه تنها نیازمند به تعریف نیست بلکه همان سان که برخی معتقدند اساسا تعریف آن امکان ندارد، زیرا

^{۸۶}. ر.ک: ملاصدرا، الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعه (اسفار)، ۹ جلد، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث، 1981 م، ج 3، ص 354؛ همان، ج 6، ص 416؛ مرتضی مطهری، مسأله شناخت، چاپ ششم، انتشارات صدرا، 1371، صص 37-38؛ همو، فطرت، چاپ دوم، انتشارات صدرا، 1370، صص 69-70؛ محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، 2 جلد، چاپ اول، سازمان تبلیغات اسلامی، 1364، ج 1، صص 136-137.

^{۸۷}. ر.ک: ارسطو، متافیزیک، ترجمه شرف الدین خراسانی، چاپ چهارم، حکمت، 1385، گاما(4)، 3، ص 96؛ ارسطو، آنالوطیقا، ترجمه: پرخیده ملکی، چاپ اول، تهران، سبکباران، 1388، (آنالوطیقای پسین)، کتاب اول، 2، صص 154-155.

مفهومی وجود ندارد که معرف آن واقع شود و واضح تر از آن باشد.⁸⁸

بر پایه آنچه بیان گردید عباراتی که به عنوان تعریف علم و معرفت بیان گردیده است، تعریف حقیقی نیست و در واقع، تعاریف تنبیهی بوده و یا هدف از ارائه آنها تعیین مصداق مورد نظر در یک دانش خاص است، به عنوان نمونه، ثمره تعریف علم به «حصول صورة الشيء في العقل»⁸⁹ در منطق، تعیین مصداق مورد نظر اهل منطق یعنی «علم حصولی» است. در مواردی نیز تعریف ارائه شده از علم، بیانگر دیدگاه تعریف کننده، درباره هستی شناسی علم است، مانند «فالعلم حصول أمر مجرد من المادة لأمر مجرد»⁹⁰ که در آن، لزوم تجرد علم و عالم بیان گردیده است.

۳-۲-۱ بدیهی

«علم حصولی»، به اعتبار استقلال در وضوح و بی نیازی از اندیشه، به دو قسم «بدیهی» و «نظری» تقسیم می شود. بر این پایه، «بدیهی»، علمی است که واضح بوده و بی نیاز از اندیشه و فعالیت ذهنی است، وضوح و بی نیازی از اندیشه در ساحت تصورات، به معنای بی نیازی از تعریف و در ساحت تصدیقات، بی نیازی از استدلال است، زیرا آنچه وضوح مفهومی در تصورات را فراهم می آورد «تعریف» و آنچه وضوح «صدقی» در تصدیقات را فراهم می سازد، «استدلال» است. بر خلاف بدیهی، نظری علمی است که واضح نبوده و نیازمند به اندیشه

⁸⁸. صدر المتألهین ارائه «حد» یا «رسم تام» برای تعریف علم را ناممکن می داند: «العلم من الحقائق التي إنيتها عين ماهيتها و مثل تلك الحقائق لا يمكن تحديدها إذ الحدود مركبة من أجناس و فصول و هي أمور كلية و كل وجود متشخص بذاته و تعريفه بالرسم التام أيضا ممتنع كيف و لا شيء أعرف من العلم - لأنه حالة وجدانية نفسانية يجدها الحي العليم من ذاته ابتداء من غير لبس و لا اشتباه» (ملاصدرا، اسفار، ج 3، ص 278)

⁸⁹. شیخ اشراق، مجموعه مصنفات شیخ اشراق، جلد 4، چاپ دوم، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1375، ج 4، ص 143؛ علامه حلی، القواعد الجلیة فی شرح الرسالة الشمسية، چاپ اول، قم، موسسه النشر الاسلامی، 1412 ه ق، ص 182

⁹⁰. سید محمد حسین طباطبائی، نهاية الحکمة، تصحیح و تعلیق: عباس علی زارعی سبزواری، چاپ چهاردهم، مؤسسه نشر اسلامی، 1417 ه ق، ص 297

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

است، حکما و علمای منطق در آثار خود از دیرباز، تقسیم علم حصولی به بدیهی و نظری را شناسانده و اقسام و ویژگی هر قسم را برشمرده‌اند. (معرفت بدیهی و اقسام آن، در مباحث آینده این پژوهش، به تفصیل بررسی می‌گردد)

ember 2017